

گزارش نشست

تاریخ زرتشتی‌دوزی در ایران

خانه هفت‌دست - نشست «ریشه‌های سوزن‌دوزی در ایران» در روز ۱۹ خرداد ۱۴۰۱ با موضوع بررسی نقوش لباس‌های زنان زرتشتی در تاریخ برگزار شد. خانه هفت دست در نمایشگاه زرتشتی‌دوزی میزبان این نشست بود.

نیلوفر بحرینی راد، سخنران این نشست، به ترتیب درباره عوامل تاثیرگذار بر نوع پوشش مانند اقلیم، طبقه اجتماعی، اقتصاد، قوانین سیاسی و اعتقادات مذهبی در دوره‌های مختلف صحبت کرد. سپس به سراغ تغییرات در نوع لباس‌های بانوان زرتشتی رفت و تاکید کرد که در حال حاضر قدیمی ترین آثار از این نوع سوزندوزی مربوط به دوره قاجار است و وجه تسمیه این نوع از سوزن‌دوزی بدان خاطر بوده که مختص به لباس بانوان زرتشتی بوده و اصالت بیشتر نقوش آن متعلق به دوره پیش از اسلام است. بحرینی‌راد تاریخچه لباس بانوان زرتشتی و همچنین این نوع از سوزن‌دوزی را با ارجاع به منابع موثق در دوره‌های ساسانی، بعد از اسلام و دوره مهاجرت زرتشتیان به هندوستان، صفویه و قاجاریه اینگونه شرح داد:

طبق تحقیقات انجام شده نمونه‌های معدودی از تصاویر زنان در دوره ساسانی بر آثار موجود است که می‌توان به تصویر یک ملکه بر یک ظرف از آن دوره اشاره کرد. این ظرف در موزه والترز آمریکا نگهداری می‌شود و در تصویر آن ملکه با لباسی آراسته و بلند دیده می‌شود. در همین معدود آثار نشانه‌ای از نقوش این نوع سوزن‌دوزی بر روی لباس بانوان تا قبل از ورود اسلام مشاهده نمی‌شود.



عکس شماره یک - ظرف ساسانی با تصویر ملکه ملبس به پیراهن بلند

اما از دوره ورود اسلام به ایران منابع بیشتری به دست ما رسیده که سرگذشت زرتشتیان ایران و تغییرات ایجاد شده بر روی لباس بانوان زرتشتی را شرح داده اند. مهمترین آن کتاب «قصه سنجان» نوشته بهمن کیقباد است. این کتاب روایت مهاجرت زرتشتیان به هندوستان است. بنا بر روایت بهمن کیقباد، زرتشتیان بعد از جمله اعراب ابتدا به منطقه‌ای با عنوان سنگان یا سنجان در خراسان رفتند، بعد به نقاط مرکزی‌تر مانند کرمان و یزد مهاجرت کردند، اما با لشکرکشی اعراب و سخت شدن شرایط زندگی مجدد مجبور به مهاجرت شدند. پس به جزیره هرمز رفته و از آنجا رهسپار هند شدند.

زرتشتیان بعد از رسیدن به منطقه گجرات هند با راجای (شاهزاده) هندی وارد مذاکره شدند تا آنها را در آن سرزمین پذیرا شود. راجای گجرات سه شرط برای زرتشتیان گذاشت؛ یکی آن که آیین و قوانین هندوها را محترم بدانند، دوم آن که لباس رزم و سلاح را کنار بگذارند و سوم بانوان زرتشتی، لباس بانوان هندی را بر تن کنند. موبدان شروط مهراجه را پذیرفتند و از آن پس زنان زرتشتی پوشش هندی را بر تن کردند و عنوان پارسیان هندوستان به این گروه از زرتشتیان داده شد. با مرور زمان و ارتباط تجار پارسی با چین و خرید پارچه‌ها و سوزندوزی‌های ابریشمی چینی، بانوان پارسی با الهام از آن نوع سوزندوزی،

لباس‌های خود (ساری) را سوزندوزی کردند و بدین ترتیب سوزندوزی خلق شد که ریشه آن کشور چین بود ولی بر روی لباس هندی و توسط بانوانی دوخته میشد که اصالتا ایرانی بودند. این نوع از سوزندوزی را «پارسی‌دوزی» نامیدند که تا زمان حال نیز رواج دارد.



عکس شماره دو- نمونه ساری هندی با پارسی دوزی

در دوره صفویه به زرتشتیان «گبر» گفته شد. کلمه «گبر» در گویش‌های ایرانی معانی متفاوتی دارد ولی در آن دوران این کلمه وارد زبان ترکی عثمانی و همچنین پارسی زمان صفوی شد و برای افراد «کافر و ملحد» بکار رفت، در حالی که زرتشتیان یکتاپرستانی بودند. در این دوران طبق قوانین اسلام و حکومتی پیروان ادیان مختلف به جز مسلمانان در صورت نپذیرفتن اسلام و به جهت اجرای مراسم مذهبی خود باید به دولت حاکم جزیه پرداخت می‌کردند. قوانین وضع شده برای زرتشتیان شرایط زندگی را برای آنها بسیار دشوار می‌کرد. بگونه‌ای که بیشتر آنها مجبور به مهاجرت به هندوستان شدند. با استناد بر تصاویر و همچنین مطالب ذکر شده در سفرنامه‌های سفیر اسپانیا (دن گارسیا دسیلوا فیگویرا) و جهانگرد ایتالیایی (دلاواله) می‌توان نتیجه گرفت لباس بانوان زرتشتی در آن دوران بسیار شبیه به لباس آنها در دوره قاجار است. با این تفاوت که نقوش سوزندوزی که مورد انتظار ما است بر روی لباس‌های دوره صفوی مشاهده نمی‌شود.

مهمترین سند تصویری از این دوره، نقاشی‌ای است که یکی از زنان زرتشتی را با ردا و مکتا (شالی بلند که بانوان زرتشتی به سر می‌گذارند) نشان می‌دهد. این نقاشی توسط نقاشی کشیده شده به نام جانی فرزند بهرام که لقب "فرنگی ساز" را به خود داده بود. در خدمت پزشکی آلمانی به نام کمپفر کار می‌کرده است. کمپفر از اروپا به ژاپن می‌رفته و بر سر راه از ایران گذشته است. نقاش از همه کسانی که در مسیر می‌دیدند نقاشی می‌کشیده است.



عکس شماره سه - نقاشی زن زرتشتی در دوره صفوی توسط جانی فرزند بهرام

بحران‌های اقتصادی از یک سو و قوانین سختگیرانه پرداخت جزیه از سوی دیگر فشار را بر زرتشتیان افزایش داده بود و سختی معیشت بر کاهش زرتشتی‌دوزی‌ها و تغییرات لباس زنان زرتشتی در این دوره تاثیر گذاشته بود. این شرایط تا دوره ناصرالدین شاه ادامه داشت. اما در دوره ناصری که سودهای اصلاحات مدرن دربار و کشور را فراگرفته بود، شخصی از پارسبان هندوستان (مانکجی لیمجی هاتریا) به ایران آمد و جهت بهبود شرایط زندگی زرتشتیان شروع به فعالیت می‌کند و با دیدار از سفرا و همراه کردن آنها، بر دربار و شاه فشار می‌آورد تا قوانین جزیه را اصلاح کنند. بالاخره او موفق می‌شود و در جلسه‌ای با فرمان شاه قانون پرداخت جزیه برای همه اقلیت‌های مذهبی لغو می‌شود. به تدریج و با مساعدت پارسبان هندوستان شرایط زندگی برای زرتشتیان بهتر می‌شود و مدارس در نقاط مختلف باز شدند و آن امکان تحصیل پیدا کردند. دوره قاجار بویژه دوره ناصری زمانی است که ما سوزندوزی زرتشتی را مشاهده می‌کنیم. و تمام آثار برجای مانده مربوط به آن دوران است. ارتباطات و معاملات منسوجات بین ایران و کشورهای همسایه خصوصاً هند رونق گرفت، بنابراین سوزن دوزی نقوش هندی و باستانی بر پارچه‌های فاخر ابریشم و زربفت در میان طبقات مرفه رواج پیدا کرد. به این ترتیب زرتشتی‌دوزی هم در این دوره ارتقا پیدا کرد و در میان نقوش اصیل ایرانی برخی از نقوش و تکنیک دوخته‌های هندی را نیز مشاهده می‌کنیم.



تصویر شماره چهار-تصویر زن زرتشتی در سفرنامه شاردن در زمان قاجار

بحرینی راد در انتها، اجزای لباس زنان زرتشتی و برخی از نقوش این نوع از سوزندوزی را معرفی کرد و با این جمع بندی نشست پایان گرفت؛



لچک: کلاه‌هی است کوچک که روی سر بسته می‌شود.



مکنا: شال بزرگ و پهن با عرض حدوداً ۷۰ سانت تا یک متر و طول سه تا سه و نیم متر، مکنا بسته به طبقه اجتماعی صاحب خود زرتشتی دوزی داشته یا بدون تزئینات بوده است.



تیروسیخ: پیراهنی بلند از جنس ابریشم که معمولاً دامن آن بسته به شرایط اقتصادی صاحب لباس دارای زرتشتی دوزی بوده، چرا که دامن پیراهن از مکتا بیرون می‌مانده و آشکار می‌شده است.



شلوار یا شوال: شلوار گشاد با پاچه‌های کش دوزی شده که قسمت بالای آن از پارچه‌های ساده همچون کتان یا چلوار و قسمت پایین آن بصورت نوارهای باریک الوان از جنس ابریشم بوده که معمولاً با سوزندوزی می‌شده و یا در مواردی از پارچه محرمانی در قسمت پایین استفاده می‌شد. تعداد نوارهای قسمت پایین و میزان سوزندوزی با توجه به شرایط مالی صاحب آن تغییر می‌کرد.



دولوگ: کیسه ای کوچک از جنس ابریشم که جهت نگهداری اقلام مختلف همچون نقل و شیرینی ، نخ و سوزن و ... استفاده می شد و در بعضی موارد نیز سوزندوزی میشده است.